



کشتار همگانی در «روستای قانا»<sup>۱</sup>؛ نوعاً خشونت بدخواهانه‌ای است که اسرائیل - نه فقط در حال حاضر - بلکه در تمامی جنگ‌هایش اعمال کرده است. این چنین خشونتی همواره یک پرسش همیشگی، مبتنی بر اینکه اسرائیل اصلاً می‌تواند در یک همزیستی صلح‌جویانه با مابقی جوامع خاورمیانه باشد را مطرح می‌کند.

جنبش فلسطین بیشتر از سی سال است که توسط بسیاری از نیروهای چپ و چشم‌اندازهای فکری مترقیانه پشتیبانی می‌شود. تا اکنون سیاست رسمی - «راه‌حل دو دولت»<sup>۲</sup> - برای رسیدگی به این مسئله وجود داشته است. مبتنی بر این ایده [دو دولت] یک توافق میان اسرائیل و فلسطین می‌تواند برقرار شود که به هر دو طرف فرصت یک زندگی صلح‌جویانه را در مجاورت هم، اما در دو دولت مجزا و دموکراتیک می‌بخشد.

<sup>۱</sup>. Qana:

«قانا» روستایی است در جنوب شرقی شهر صور در جنوب لبنان، که در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ مورد حمله ارتش اسرائیل واقع شده است.

<sup>۲</sup>. the two-state solution

مرحوم یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، با این استدلال که «پیمان اسلو [۱۹۹۳]»<sup>۳</sup> گامی است بسوی راه-حل دو دولت، این پیمان را امضاء و در نهایت پذیرفت. با این وجود تجربه‌ی «فرایند صلح» پس از زمان پیمان اسلو، شواهد بسیار آشکاری مبنی بر اینکه راه حل دو دولت جوابگو نیست، ارائه کرده است. یکی از دلایل [شکست این پیمان] عدم توازن قدرت میان دو طرف است. اسرائیل یکی از بزرگترین نیروهای نظامی جهان است که از جانب آمریکا پشتیبانی و حمایت می‌شود. در مقابل حکومت خودگردان فلسطین، از اقتدار محدودی بر یک سرزمین تقسیم‌شده برخوردار است و از لحاظ مالی به قدرت‌های خارجی، همچون اتحادیه‌ی اروپا وابسته است که این قدرت‌ها در یک لحظه می‌توانند حمایت‌شان را از آن‌ها -همانگونه که تجربه‌ی حماس نشان داد- پس بگیرند.

سیاست اسرائیل همواره تلاشی در راستای همیشگی کردن این عدم توازن -تضعیف و وابسته نگه داشتن حکومت خودگردان فلسطین- بوده است. حامیان راه‌حل دو دولت، استدلال می‌کنند که این وضعیت ناشی از بدخواهی سیاست‌مداران اسرائیلی است و یا شاید هم ناشی از بی‌کفایتی هم‌تایان‌شان در فلسطین باشد. اما این استدلال ناتوان از ارزیابی چرایی اقدامات رهبران اسرائیلی است که به منظور حفظ امنیت دولت بیهود، هر کاری می‌کنند که حکومت خودگردان فلسطینی تضعیف شود. این [چنین استدلالی] فراتر از یک فریب‌سازی صرف است.

اسرائیل یک دولت استعماری مهاجرنشین است؛ به بیانی دیگر: بنا کردن یک دولت برفراز قلمروی که از ساکنین اصلی غضب شده و توسط بیگانه‌های برخوردار از امتیاز پشتیبانی قدرت‌های امپریالیستی غربی، اشغال شده است. همه‌ی دولت-های مهاجرنشین با مشکلاتی از آنچه که بر سر مردم می‌آورد -مردمان سرزمینی که غضب کرده‌اند- مواجه هستند.

**راه‌حل:** بهترین راه‌حل -البته از نقطه‌نظر مهاجران- نابودی است، که بطور کامل چندین قرن طول می‌کشد. آمریکا، کانادا و استرالیا شاهد موفقیت چنین سیاستی بودند. راه‌حل دیگر این است که ساکنین اصلی را به نیروی کار مهاجران تبدیل کنند؛ چیزی که در آفریقای جنوبی، رودزیا، کنیا و الجزایر اتفاق افتاد. اما این سیاست یک نقطه ضعف دارد چرا که طردشدگان [از سرزمین] دوباره سازماندهی می‌شوند و کشور را پس می‌گیرند، همانگونه که در همه این نمونه‌ها چنین چیزی اتفاق افتاد.

استعمارگران صهیونیستی، میلیون‌ها فلسطینی را -عمدتاً به کشورهای همسایه- بیرون رانده‌اند. مابقی فلسطینی‌ها هنوز هم تحت سلطه‌ی حکومت اسرائیل قرار دارند که در سطوح مختلفی -با همدردی گسترده‌ای از جانب توده‌های عرب- متحمل رنج می‌شوند و مقاومت می‌کنند. اسرائیل نمی‌تواند فلسطینی‌ها را نابود کند -نازی‌ها هم تلاش می‌کردند که بواسطه جنگ جهانی دوم بر هولوکاست سرپوش نهند. سیاست‌مداران جناح راست اسرائیلی، حامی بیرون کردن فلسطینی‌ها به کشورهای همسایه هستند، اما چنین چیزی فقط باعث افزایش آنتاگونیسم با جهان عرب می‌شود. با این وجود اسرائیل نمی‌تواند با

<sup>۳</sup>. Oslo Accord

فلسطینی‌ها صلح کند. تنها راه توافق این است که به میلیون‌ها آواره فلسطینی اجازه داده شود که بازگردند. اما چنین اقدامی بنیاد اسرائیل را به مثابه یک دولت منحصراً یهودی، نابود خواهد کرد. بنابراین هرگونه توافق اسرائیل با فلسطینی‌ها لزوماً ساختگی است. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل که فرایند صلح را آغاز کرد، بر این پنداشت کلی مسلکانه بود که سازمان آزادی‌بخش فلسطین به این خاطر می‌تواند قانون را بر فلسطینی‌ها اعمال کند که یک سازمان غیر دموکراتیک است. بر این اساس یک دموکراسی واقعی - همانند پیروزی حماس در انتخابات - می‌تواند هر چیزی را به ورطه تهدید بکشاند.

بنابراین تنها راه حل واقعی در سیاستی است که «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» در اواسط دهه ۱۹۷۰ از آن دست برداشت: یک دولت فلسطینی سکولار و دموکراتیک که در آن اعراب و یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، با یکدیگر بر اساس برابری زندگی می‌کنند. ممکن است چنین راه‌حلی در بحبوحه‌ی کشتارهای فعلی کاملاً یوتوپیایی بنظر برسد. اما آیا وحشت فعلی، خواست یک راه‌حل رادیکال را شکوفا نمی‌سازد!؟

این متن ترجمه‌ای است از:

-Callinicos, Alex (۲۰۰۶), "Why 'two states' is not the solution for Palestine", Issue No. ۲۰۱۲